فرهیختگان

www.farheekhtegan.ir

دوره جدید
شماره ۱۴۳۸
شماره مسلسل ۲۱۷۶
یکشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۹۳
۶ شوال ۱۴۳۵
۳ آگوست ۲۰۱۴

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی
مدیرمسوول: احسان مازندرانی
سردبیر: مهران کرمی
نشانی: خیابان حافظ - بعد از پل دوم حافظ - روبه‌روی ساختمان بورس - ساختمان فرهیختگان - طبقه سوم
تحریریه: ۱۸۲- ۶۶۷۶۰۱۸۰ نمابر: ۶۶۷۶۰۵۰۱ - ۶۶۷۲۶۰۴۷

الو فرهیختگان: ۶۶۳۴۸۰۱۹
دفتر مدیرمسوول: ۶۶۳۴۸۰۱۶
سازمان آگهی‌ها: ۴۶-۶۶۳۴۸۰۴۵
پیامک روزنامه: ۱۰۰۰۰۱۳۸۸۲۳۰
چاپ: سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی
توزیع: پیام رسان پیروز

امروز: غروب خورشید: ۲۰:۰۷ ■ اذان مغرب: ۲۰:۲۷ ■ نیمه شب شرعی: ۰۰:۲۳ ■ فردا: اذان صبح: ۴:۳۸ ■ طلوع آفتاب: ۶:۱۴ ■ اذان ظهر: ۱۳:۱۰

جهان شناور-۴۳

جذابیت پنهان اتوکراسی

یاسین محمدی

اگر اقتدارگرایی و اقتدارستیزی را دو سوی یک محور ریاضی در نظر بگیریم، حکومت‌ها و جوامع گوناگون در میان این بیشینه و کمینه پراکنده‌اند. در علوم سیاسی، «یکه‌سالاری» (autocracy)، یکی از چهار گونه اقتدارگرایی (authoritarianism) در کنار خودکامگی (despotism)، دیکتاتوری (dictatorship) و تمامیت‌خواهی (totalitarianism) است. اگرچه این مفاهیم در محاوره و ادبیات ژورنالیستی به‌شکلی مترادف به‌کار می‌روند، اما در تعاریف سیاسی با یکدیگر متفاوت‌اند.

داریوش آشوری می‌گوید که در یکه‌سالاری، فرمانروا بر راس سلسله‌مراتب اداری، تفوق آشکار دارد و اگرچه [برخلاف دیکتاتوری] قوانین یا سنت‌هایی هست که بر قدرت او محدودیتی ایجاد کنند، در عمل قدرت فرمانروا (اتوکرات) نامحدود است. فرد یکه‌سالار ممکن است قدرت خود را [برخلاف خودکامه] براساس قراردادها یا سنت‌های اجتماعی به‌دست آورده باشد که در این صورت اتوکراسی «مشروع» است یا آن را به‌زور به‌دست آورده باشد که در این‌صورت «دیکتاتوری» است.

اگرچه تمامیت‌خواهی و دیکتاتوری نظامی غالبا با اتوکراسی تعریف می‌شوند، اما الزاما اتوکراسی نیستند. حکومت‌های تمامیت‌خواه تلاش می‌کنند تمام جوانب زندگی افراد جامعه را تحت‌کنترل داشته باشند. ممکن است در راس این حکومت‌ها دیکتاتور بزرگی باشد که این حکومت را بدل به حکومتی یکه‌سالارانه کند، اما شکل دیگر آن رهبری

جمعی (collective leadership) یک کومون یا حزب سیاسی است. از آنجا که یکه‌سالارها نیازمند ساختار قدرتی برای حکومت کردن هستند، مرزبندی میان اتوکراسی تاریخی و اشراف‌سالاری (اولیگارشی) دشوار است، چراکه بیشتر یکه‌سالارها در طول تاریخ وابسته به اشراف یا گروه‌های نخبه دیگر بوده‌اند.

در منتهاالیه دیگر محور نظام‌های سیاسی، اقتدارگریزی (آنارشیسم) قرار دارد که در زبان سیاسی به‌معنای نظامی اجتماعی و سیاسی بدون دولت یا به‌طور کلی جامعه‌ای فاقد هرگونه ساختار طبقاتی یا حکومتی است.

دنیس گانزل، فیلمساز جوان آلمانی، شهرتش را مدیون ساختن فیلم «موج» (Die Welle) در سال ۲۰۰۸ است. در این فیلم، یک معلم دبیرستان به‌نام «راینر ونگر» ناچار به برگزاری کلاسی با موضوع «اتوکراسی» می‌شود، درحالی که معلمی دیگر به‌طور موازی کلاسی با موضوع «آنارشیسم» برگزار می‌کند. ونگر وقتی درمی‌یابد که دانش‌آموزانش ـ که نسل سوم پس از جنگ جهانی دوم هستند ـ معتقدند امکان ندارد در آلمان مدرن دیکتاتوری به‌وجود بیاید، آزمونی را دنبال می‌کند تا نشان دهد توده‌ها به چه آسانی قابلیت هدایت شدن به هر سمت‌وسو را دارند. او از دانش‌آموزانش گروهی تشکیل می‌دهد و نام آن را «موج» می‌گذارد و در میان اعضای گروه نوعی یکسان‌سازی و اتحاد را ترغیب می‌کند. حاصل کار جذابیت روزافزونی است که این گروه پیدا می‌کند، چنانکه پیوستن دانش‌آموزان دیگر باعث رشد آن می‌شود. این رشد غیرمنتظره و بروز و ظهور رفتارهای خودسرانه، «موج» را خیلی سریع بدل به گروهی شبه‌فاشیستی می‌کند که ونگر را در جایگاه «پیشوا» نشانده است و زمانی که این معلم می‌خواهد نقطه پایانی بر آزمون تجربی «اتوکراسی»اش بگذارد، این نقطه چیزی جز تراژدی نیست.

هیچ‌یک از هراس‌های زودگذر و آنی فیلم‌های ژانر وحشت، قابل‌مقایسه با هراس عمیق و رسوب‌کننده‌ای نیست که فیلم‌هایی مثل «موج» در ضمیر مخاطب باقی می‌گذارند؛ این هراس آنقدر هست که حتی کارگردان اثر بگوید هرگز دیگر در هیچ فیلمی سراغ سوژه ناسیونال‌سوسیالیسم نخواهد رفت، چراکه هرچه گفتنی بوده در «موج» گفته است... هراس عمیق و رسوب‌کننده‌ای با نام جذابیت پنهان اتوکراسی...

خبر آخر

بوش پدر به روایت بوش پسر

زندگی جورج بوش ۹۰ ساله، چهل‌ویکمین رئیس‌جمهور آمریکا، در کتابی به قلم جورج بوش پسر روانه بازار می‌شود. بوش اخیرا اعلام کرده زندگینامه شخصی پدرش را روز ۱۱ نوامبر به چاپ می‌رساند. این کتاب با تیراژ یک میلیون جلد در آمریکا منتشر می‌شود. در این اثر، نقش بوش پدر در دوران جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری صنعت نفت تگزاس و فراز و فرودهای زندگی سیاسی و شخصی او به تصویر کشیده شده است. به گزارش ایسنا به نقل از گاردین، کتاب قبلی جورج بوش سال ۲۰۱۰ باعنوان «لحظات تصمیم‌گیری» به چاپ رسید.این اثر که شامل ۱۴ تصمیم بزرگ و حساس وی در دوران ریاست‌جمهوری‌اش بود، در زمان انتشار جزء پرفروش‌ترین آثار غیرداستانی شد. طبق آمار ارائه‌شده از سوی انتشارات «کراون» کتاب «لحظات تصمیم‌گیری» بیش از سه میلیون نسخه در آمریکا فروش داشت.اثر جدید بوش در حالی روی پیشخوان کتابفروشی‌ها قرار می‌گیرد که کتاب «انتخاب‌های سخت» هیلاری کلینتون از چند ماه قبل منتشر شده و با استقبال زیادی مواجه شده است.

سینمای ایران در سالگرد هیروشیما

همزمان با سالگرد بمباران اتمی هیروشیما، هفت فیلم سینمایی و مستند ایرانی با موضوعات دفاع مقدس و صلح و دوستی با زیرنویس ژاپنی در بهترین سالن نمایش این شهر(هاتکوزا) و همچنین شهر توکیو، به نمایش درخواهد آمد. این جشنواره به همت خانم تسویا از صلح‌طلبان ژاپنی فعال در امر مداوای جانبازان ایران برگزار می‌شود و طی آن فیلم‌های «اتوبوس شب»، «شیار ۱۴۳»، «گیلانه»، «تنهای تنهای تنها»، «خاطراتی برای تمام فصول»، «فرش باد» و «پاداش سکوت» برای شرکت کنندگانی از سراسر جهان نمایش داده می‌شود. سینماگرانی چون کیومرث پوراحمد، نرگس آبیار، کمال تبریزی، احسان عبدی‌پور، مرتضی رزاق کریمی به همراه بیژن نوباوه، محسن مومنی (ریاست حوزه هنری)، عادل معمارنیا و حبیب احمدزاده و به دبیری پرویز پرستویی در این جشنواره شرکت خواهند داشت. این جشنواره به مدت هفت روز از تاریخ ۱۳ تا ۱۶ مرداد در هیروشیما و از تاریخ ۱۷ تا ۱۹ مرداد با همکاری سفارت ایران، در شهر توکیو برگزار می‌شود.

آیا سیاستمداران ژن کم‌خوابی دارند

گفته می‌شود تا چرا ژن کم‌خوابی دانسته است

این روزها زندگی همه آنقدر پرمشغله شده است که همه با مشکل کمبودخواب مواجه هستند و هر چقدر هم که از خواب‌شان می‌زنند بازهم به کارهای نیمه‌تمام‌شان نمی‌رسند و همیشه وقت کم می‌آورند. بسیاری روزانه با این مشکل دست و پنجه نرم می‌کنند این در حالی است که افرادی هستند تنها با چند ساعت خوابیدن تمام انرژیشان را بازیافت می‌کنند و روز بسیار خوبی را هم پشت سر می‌گذارند. دانشمندان با تحقیق روی این افراد به دستاوردهای جدیدی دست یافته‌اند. روزنامه تلگراف نام این دستاورد را «ژن تاچر» نامیده و در گزارش آورده است: «دانشمندان ژن جدیدی را کشف کرده‌اند که کمک می‌کند کمتر از حد معمول خوابید.» اما چرا نام تاچر را روی آن گذاشته‌اند؛ تلگراف در ادامه آورده است: «مارگارت تاچر، نخست‌وزیر اسبق انگلیس به چهار ساعت خوابیدن در شب مشهور بود و حالا دانشمندان علت این توانایی خارق‌العاده خانم نخست‌وزیر را یافته‌اند. محققان ژنی را کشف کرده‌اند که به افرادی همچون تاچر اجازه می‌دهد تا کمتر از حد معمول بخوابند. خستگی‌ناپذیری تاچر اطرافیانش را همیشه کلافه می‌کرد چراکه هیچ‌کس نمی‌توانست پا به پای او کار کند. تاچر با روزی ۲۰ ساعت کار همه را شگفت‌زده می‌کرد ولی او در این توانایی تنها نبود؛ وینستون چرچیل هم در دوران جنگ، شب‌ها چهار ساعت می‌خوابید و تحقیقات جدید نشان می‌دهد که این دو از لحاظ ژنتیکی به هم شبیه بوده‌اند.» دیلی‌میل هم در گزارشی در رابطه با این موضوع آورده است: «دانشمندان مرکز ژن‌شناسی فیلادلفیا اعلام کرده‌اند افرادی که دارای ژن p.Tyr362His هستند می‌توانند بدون هیچ مشکلی کمتر از پنج ساعت در شب بخوانند. این دانشمندان با تحقیق بر ۱۰۰ دوقلو توانستند تفاوت‌های ژنتیکی را عامل موثر این موضوع بیابند.» دکتر تیموتی مورگنتالر، مدیرعامل آکادمی داروهای خواب آمریکا در مصاحبه‌ای با تلگراف گفت: «این تحقیقات ثابت کرد که ما به خواب از لحاظ بیولوژیکی نیاز داریم نه از لحاظ امیال شخصی. اکثر بزرگسالان حداقل به هفت ساعت خواب برای سلامت، بازدهی بهتر و هوشیاری بالاتر در طول روز احتیاج دارند.» چارلز مور، زندگینامه‌نویس مارگارت تاچر هم در گفت‌وگویی که با دیلی‌میل داشت، گفت: «خیلی بعید است که بتوان دقیقا گفت آیا خانم نخست‌وزیر ژن خاصی داشته است یا نه، ولی خستگی‌ناپذیری او برای همه بسیار عجیب بود و همه شاهد بودند که خانم تاچر همیشه از صبح زود تا پاسی از شب مشغول کار بود؛ اما فقط با انجام آزمایش‌های ژنتیکی می‌توان این موضوع را ثابت کرد.» افراد مشهور یا موفق بسیار دیگری هم کمتر از هشت ساعت پیشنهادشده پزشکان می‌خوابیدند. بنجامین فرانکلین شب‌ها تنها چهار ساعت می‌خوابید، باراک اوباما شش ساعت. تام فورد، طراح معروف لباس ادعا دارد که سه ساعت خواب شب برای بازیافت کامل انرژی‌اش کافی است. زمانی که از ناپلئون بناپارت پرسیدند که چند ساعت خواب برای هر کسی کافی است، پاسخ داد: «شش ساعت برای مردان، هفت ساعت برای زنان و هشت ساعت برای احمق‌ها.» تلگراف در انتهای گزارشش آورده است: «کم‌خوابی باعث افسردگی، افزایش وزن و بیماری‌های روحی می‌شود و همچنین خطر سکته قلبی و مغزی را بالا می‌برد. اما کسانی که ژن تاچر را داشته باشند می‌توانند از این معضلات فرار کنند.»

دلم می‌خواست همراه باشم

اصغر فرهادی معتقد است رفتارهای حمایتی از جانب سینماگران در دنیا واکنش‌ها و انعکاس‌های زیادی به دنبال دارد و دیگر امروز مانند گذشته، دنیا در قبال جنایات علیه مردم غزه سکوت نمی‌کند. به همین خاطر بود که او هم درکنار دیگر سینماگران، صبح دیروز، ۱۱ مرداد در پایگاه مرکزی انتقال خون تهران حضور یافت تا با اهدای خون به مردم بی‌گناه غزه، همدردی خودش را با آنها اعلام کند. او چندی پیش هم کمپینی با عنوان «کشتار همنوعان خود را متوقف کنید» در فیس‌بوک به راه انداخت که برخی فیلمسازان مختلف دنیا نیز از آن حمایت کردند. اما حضور او در مراسم اهدای خون و حمایت صریحش از مردم غزه شاید پاسخی بود برای آنهایی که معتقد بودند کمپین او اشاره صریحی به حمایت از مردم غزه نداشته است. این کارگردان ایرانی برگزیده اسکار اهدای خون به مردم غزه را نوعی همدردی با آنها در مقابل جنایات و کشتاری دانسته که این روزها شاهد هستیم. فرهادی گفته است که در واقع، اهدای خون یک حرکت نمادین است که بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد. به گفته او هر کسی امروز فارغ از نگاه سیاسی باید به شکلی احساسات خود را درباره وقایع غزه بروز بدهد و از مردم بی‌گناه غزه حمایت کند. به گزارش ایسنا، کارگردان «گذشته» درباره ایده اهدای خون به نفع مردم غزه افزود: حمایت از مردم غزه از سوی اهالی سینما مطرح شد و دلم می‌خواست همراه این حرکت باشم، زیرا سینمای ایران در حرکت‌های انسان‌دوستانه همیشه پیش‌قدم و مدافع بوده است.

یوسا و فرزندخواندگی شهر اسپانیایی

ماریو بارگاس یوسا سال‌های بسیاری است که تابستان‌هایش را در اسپانیا سپری می‌کند. او معمولا در زمان اقامتش در شهر «ماربلا»ی این کشور در همه نمایشگاه‌های کتاب و رویدادهای فرهنگی اجتماعی که در وضعیت زندگی شهر نقش پررنگی ایفا می‌کنند حضور دارد تا جایی که رئیس شورای فرهنگی ماربلا گفته است یوسا در روزهای خوشی و ناخوشی به شهر ما وفادار مانده است. حالا قرار است شهر «ماربلا» طی مراسمی این نویسنده پرویی برنده نوبل ادبیات را به‌عنوان فرزندخوانده خود معرفی کند. قرار است یوسا طی مراسمی رسمی این عنوان را دریافت کند. رئیس شورای فرهنگی ماربلا می‌گوید: بارگاس یوسا برای شهر ما از اهمیت بالایی برخوردار است و جزء میراث انسانی ما محسوب می‌شود. او فردی است که زندگی جهانی دارد و از ابراز عقیده‌اش ترسی ندارد. به گزارش ایسنا به نقل ال یونیورسال، مدرسه‌ای به نام یوسا نیز در شهر ماربلا وجود دارد. این نویسنده همچنین ستاره‌ای را در بلوار نام‌آوران این شهر به نام خود کرده است. یوسا یکی از برجسته‌ترین رمان‌نویسان و مقاله‌نویسان معاصر است که جایزه نوبل ۲۰۱۰، جایزه میگوئل سروانتس ۱۹۹۴ و جایزه پرنس آستوریاس ۱۹۷۶ از جمله افتخارات ادبی او هستند. او علاوه‌بر ادبیات، در دنیای سیاست هم فعالیت چشمگیری دارد. یوسا در سال ۱۹۹۰ کاندیدای ریاست‌جمهوری پرو شد. نام او همچنین در میان ۱۰ روشنفکر تاثیرگذار آمریکای لاتین به چشم می‌خورد. از آوریل ۲۰۱۲ جایزه رمانی هم به نام او در شهر لیما راه‌اندازی شده است.

سالم‌ترین مرد جهان

مجله سلامت مردان، کریستیانو رونالدو را به‌عنوان تندرست‌ترین مرد زنده حال حاضر دنیا معرفی کرده است. این مجله برای انتخاب خود معیارهایی مانند قدرت ذهنی، استقامت، سرعت، قدرت بدنی و توان را مورد بررسی قرار داده است.

توانایی رونالدو برای تحلیل روند بازی، سریع‌تر از هر بازیکن دیگری است. او در هر بازی بیش از ۹ کیلومتر می‌دود و یکی از دلایل این استقامت مقدار چربی اندک در بدن این بازیکن است. از سوی دیگر رونالدو در یک مسابقه معمولی با سرعت بیش از ۳۳ کیلومتر در ساعت می‌دود، اما شتاب زیاد و هوش بالای او موجب می‌شود در تله آفساید حریف گرفتار نشود. او همچنین تعادل بالایی دارد و به خوبی می‌تواند بدن خود را کنترل کند.

تحقیقی در بریتانیا طول پرش رونالدو را نزدیک به بازیکنان بسکتبال NBA تخمین زده است. رونالدو همچنین می‌تواند توپ را با سرعت ۱۲۸ کیلومتر در ساعت شوت کند. این بازیکن ۲۹ ساله در این باره گفته است: باید تمرکزتان را حفظ کنید. تمرین دادن مغز خیلی مهم است. در این صورت دیگر دچار عدم تمرکز نمی‌شوید. وقتی اعتمادبه‌نفس دارید می‌توانید آرامش خود را حفظ کنید. او می‌گوید: همیشه سعی می‌کنم پیشرفت کنم تا فردا بهتر از امروز و سال آینده بهتر از امسال باشم. اگر ۵۰ گل بزنم، به دنبال ۵۵ گل می‌روم. برخی می‌گویند که در زمین خیلی جدی هستم و اصلا لبخند نمی‌زنم. این به خاطر این است که با تمرکز صددرصد بازی می‌کنم.

عکس خانه

آتش در تایوان

عکس: AFP

عکس: شینهوا

روز جمعه، نشت و انفجار خط لوله گاز در تایوان یک محله را به ویرانه تبدیل کرد. در این حادثه ۲۴ نفر کشته و ۲۷۱ نفر زخمی شدند. گفته می‌شود این انفجارها پشت سرهم رخ داده است. در میان کشته‌شدگان آتش‌نشانان هم دیده می‌شوند. هنوز دلیل اصلی نشت گاز مشخص نشده است.

از پانیفتاده‌ها

عکس‌ها: هادی هیربدوش، مهر

رقابت‌های قهرمانی کشور دو و میدانی جانبازان و معلولان دیروز شنبه با حضور ۴۳۰ ورزشکار از ۳۰ استان کشور در دو گروه ورزشکاران دارای معلولیت جسمی و حرکتی و نابینایان و کم‌بینایان به کار خود پایان داد. در این مسابقات ۴۳۰ ورزشکار از ۳۰ استان به رقابت پرداختند که با قهرمانی آذربایجان شرقی به پایان رسید.

کلام معصوم(ع)

امام باقر علیه‌السلام:
سخن نیک را از گوینده آن برگیرید، اگر چه به آن عمل نکند.

مزه‌ریزی

مهدی میرمحمدی

کاری از دکتر ساخته نیست

به راستی چگونه باید بامزه بود؟ واقعا من چه‌کار کنم که بامزه نیستم ولی باید بامزه باشم. چه کنم، چه نکنم بدو بدو می‌دوم به سوی دکتر.

- دکتر جون چی کار کنم؟ من باید آدم بامزه‌ای باشم؟

دکتر: کی؟ تو؟چرا خب؟

-برای اینکه مجبورم. می‌فهمید، مجبورم. باید ستون طنز بنویسم.

دکتر: کی؟ تو؟ خوب بگو کجا قراره بنویسی حواسمون باشه یه وقت نخونیم.

- آقا دکتر مهربون شما چقدر بامزه‌اید. راستی شما چه قرصی می‌خورید که اینقدر بامزه‌اید؟

دکتر: همه راه‌ها هم که به قرص ختم میشه. ای شیطون قرص می‌خوای؟

- دکتر این حرف‌ها چیه؟ من فقط می‌خواستم بپرسم این روزها که برای همه چی قرص اومده برای بامزه بودن قرص نیومده؟

دکتر: فکر کن نیومده باشه. فکر می‌کنی وودی آلن چرا اینقدر بامزه است؟ به خاطر دکترهاش دیگه. فکر می‌کنی واسه چی اینقدر هی تو فیلم‌هاش گیر میده به روانپزشک‌ها؟ حسودی می‌کنه دیگه. کسی هم نیست بهش بگه اگه راست میگی روانپزشک‌ها اینجورین پس چرا همه زندگیت از این مطب به اون مطب در حال اعتراف کردن بودی. شما امیدی به بامزه بودنت نیست. بیا اینها رو بنویس.

- یعنی چی بنویسم؟

دکتر: بنویس آقای وودی آلن این چه وضعشه؟ بنویس آقای وودی آلن، بگم... بگم، بریزیم بیرون اون پرونده‌رو.

- ولی من که چیزی از پرونده وودی آلن نمی‌دونم.

دکتر: نمی‌دونی؟ کاری نداره. من بهت می‌گم چه خبره.

- شما از کجا می‌دونید؟

دکتر: بابا درد آدم‌ها شبیه همه.

- یعنی چیه؟

دکتر: همه می‌خوان بامزه، خوشحال و پولدار باشند.

- آقای دکتر باور کنید برای من همون بامزه بودن کافیه. ستون رو گازه. واقعا قرص بامزگی نیومده؟

دکتر: ای شیطون... فکر کن نیومده باشه.

-اِ خب منم به خاطر همین اومدم سراغ شما.

دکتر: فکر کردی من از پشت کوه اومدم. تو اومدی به بهونه بامزه شدن کارخونه‌های قرص‌سازی رو خوشحال و پولدار کنی. پسر جان نکن این کار رو به‌جای اینکه هی بیای اینجا به من پول بدی برو پولت رو بده به بقالی سر کوچه‌تون خرید کن بذار تو اون یخچال یه ذره جون بگیری.

- آقای دکتر قرص‌ها رو هم می‌ذارم تو یخچال دیگه.

دکتر: واقعا تو چقدر بامزه‌ای. البته نه از اون بامزه‌ها، منظورم از این بامزه‌هاست.

- یعنی از کدوم‌ها؟

دکتر: از اون‌ها که اینقدر دلت به حالشون می‌سوزه، مجبور میشی بهشون بگی آفرین بامزه.

- آقای دکتر من مجبورم، مجبوووووووووور.

دکتر: خب کاری نداره، برو تو اخبار بگرد کلی خبر بامزه توشون هست. این همه سیاستمدار بامزه.

- آقای دکتر اون‌ها رو که به قصد بامزه بودن نگفتند.

دکتر: اِ، جدا. یعنی ماجرا قرار بوده جدی باشه، پس چرا طنز شده؟ خب درباره مایلی‌کهن بنویس. واقعا بامزه نیست؟

- چرا ولی ایشون دیگه رقیب و همکار ما محسوب می‌شن تا مربی فوتبال. درست نیست آدم هی در مورد رقیبش بنویسه.

دکتر: البته باید یادت باشه که تو هیچ‌وقت تو بامزه بودن به گرد پای مایلی‌کهن هم نمی‌رسی. مشکل از روزنامه‌های ماست که ستون رو به مایلی‌کهن نمی‌سپارند.

- پس من الان چی کار کنم؟

دکتر: به مخاطب رحم کن و بی‌خیال طنز نوشتن شو. به حرف‌های من گوش کن. همین وودی آلن، همین مستربین، اون یکی اسمش چی بود، جیم کری همه این‌ها از گوش کردن به حرف‌های من بد ندیدند. باور نمی‌کنی؟

- آقای دکتر چرا باور نکنم. به من که قرص بامزگی ندادین ولی یه سوال شما قرص‌هاتون رو می‌شورید می‌خورید یا نشسته می‌خورید؟ کلا چه جوری می‌خورید؟